

## زبان عربی ۲

- ۱- گزینه «۲» - أَرشدنا المعلمَ: معلم، ما را راهنمایی کرد (رد گزینه «۱») / إلى الاقتصاد: به صرفه‌جویی (رد گزینه‌های «۳») / استهلاك: مصرف / الماء والكهرباء: آب و برق (رد گزینه‌های «۳» و «۴») / في المرافق العامة: در تأسیسات عمومی. (حسامی) (درس اول - ترجمه - ترکیبی)
- ۲- گزینه «۴» - جاءت في القرآن: در قرآن آمده است (رد گزینه «۲») / نماذج كثيرة: نمونه‌های فراوانی (رد گزینه «۱») / من الأخلاق الحسنة: از اخلاق خوب (رد گزینه «۱») / ليهتدي بها جميع الناس: تا همه مردم با آنها راهنمایی شوند (رد گزینه‌های «۱»، «۲» و «۳») (حسامی) (درس اول - ترجمه)
- ۳- گزینه «۱» - و أمرن: و دستور بدهید (رد گزینه‌های «۲» و «۴») / بناتكنّ و أبناكنّ: دختران و پسرانتان / بالمعروف: به کار نیک / تعلّم الفنون النافعة: یادگیری هنرهای سودمند (رد گزینه «۳») / و الاهتمام بالرياضة: و توجه به ورزش. (حسامی) (درس اول - ترجمه)
- ۴- گزینه «۳» - يقدّم لنا: به ما تقدیم می‌کند (رد گزینه «۴») / هذا الغيم الأسود: این ابر سیاه / باران‌هایی ریزان (رد گزینه‌های «۱» و «۲») / كالدّر المنتشرة: همچون مرواریدهای پراکنده (رد گزینه‌های «۲» و «۴»). (حسامی) (درس اول - ترجمه - ترکیبی)
- ۵- گزینه «۳» - ترجمه درست سایر گزینه‌ها:  
گزینه «۱»: صبر در برابر آنچه به ما اصابت می‌کند (بر سر ما می‌آید) از کارهای مهم است.  
گزینه «۲»: ای پسر، نماز را برپا دار و از کار زشت باز دار.  
گزینه «۴»: ای دوست من در این سرازیری به سرعت راه نرو. (حسامی) (درس اول - ترجمه - ترکیبی)
- ۶- گزینه «۴» - در این گزینه حرف «آ» برای تأکید و به معنی «بی‌گمان» ترجمه نشده است. ترجمه درست: پزشک تأکید کرد که بهترین روغن‌ها بی‌گمان روغن پسته است! (حسامی) (درس اول - ترجمه - ترکیبی)
- ۷- گزینه «۳» - ترجمه عبارت: «از بسیاری از گمان‌ها پرهیزید، زیرا بعضی از گمان‌ها گناه هستند.» این عبارت بر نکوهش بدگمانی و لزوم خودداری از آن دلالت دارد ولی بیت گزینه «۳» چنین مفهومی ندارد و می‌گوید هر کسی به خیال و گمان خودش یار من شد و این کار را نکوهش و منع نکرده است بلکه در مصرع دوم به این اعتراض کرده است که هیچ کسی به دنبال اسرار او نبوده است. مفهوم گزینه «۴» این است که به همسایه خود بدگمان نباش و او را دزد نپندار. (حسامی) (درس اول - مفهوم)  
متن:  
«مادرم یک بار به من گفت: ای دخترم، من تو را خیلی دوست دارم، چون تو در خانه آرامشت را حفظ می‌کنی و صدایت را بلند نمی‌کنی و فریاد نمی‌زنی و اینها همگی صفت‌های خوبی هستند که (هم) خدا و (هم) مردم آنها را دوست دارند. گفتم: بسیار متشکرم مادر. تو همیشه مرا به کارهای نیک راهنمایی می‌کنی و می‌گویی: صدایت را پایین بیاور و در راه رفتنت میانه‌روی کن و معلم من را با سخنی نیکو پسند می‌دهد و می‌گوید: رویت را با تکبر از خواهران و هم‌کلاسی‌هایت بر مگردان و با ناز و خودپسندی با آنان صحبت نکن و گاهی سخن کسی را که بدون دلیل منطقی صدایش را بلند می‌کند به صدای خرها تشبیه می‌کند و آن زشت‌ترین صداهاست. بنابراین بر دیگران تکبر نمی‌ورزم و در برابرشان تواضع می‌کنم.»
- ۸- گزینه «۴» - ترجمه سایر گزینه‌ها:  
گزینه «۱»: دختر مادرش را خیلی دوست دارد چون او در خانه آرامشش را حفظ می‌کند (بر اساس متن، مادر دخترش را خیلی دوست دارد....)  
گزینه «۲»: دختر رویش را با تکبر از خواهران و هم‌کلاسی‌هایش بر نمی‌گرداند و با آنها صحبت نمی‌کند (با توجه به متن، دختر با ناز و خودپسندی با آنان صحبت نمی‌کند نه اینکه اصلاً صحبت نکند)  
گزینه «۳»: معلم بر دیگران تکبر نمی‌ورزد و در برابرشان تواضع می‌کند (دختر، اینگونه است و درباره معلم چیزی در متن گفته نشده است) (حسامی) (درک مطلب - ترکیبی)
- ۹- گزینه «۴» - صفت‌های خوب و کارهای نیک. (گزینه‌های یک و دو هم در متن آمده‌اند ولی نمی‌توانند موضوع کل متن باشند ولی درباره گزینه چهارم چیزی در متن نیامده است).  
ترجمه سایر گزینه‌ها:  
گزینه «۱»: نهی از بلند کردن صدا.  
گزینه «۲»: سخن نیکو و تواضع در برابر دیگران.  
گزینه «۳»: دوستی خدا و دوستی مردم. (حسامی) (درس اول - درک مطلب)
- ۱۰- گزینه «۳» - ترجمه: «ما کسی را که فریاد نمی‌زند و صدایش را بلند نمی‌کند دوست نداریم.» کاملاً بر عکس است.  
ترجمه سایر گزینه‌ها:  
گزینه «۱»: تواضع در برابر مردم از صفت‌های خوب است.  
گزینه «۲»: زشت‌ترین صداها بی‌گمان صدای خرهاست.  
گزینه «۴»: مردم کسانی را که صداهايشان را پایین می‌آورند دوست دارند. (حسامی) (درس اول - درک مطلب)
- ۱۱- گزینه «۳» - اغضی: فعل امر - دوم شخص مفرد مؤنث است (للمخاطبة) - ثلاثی مجرد است چون اولین صیغه فعل ماضی آن «غض» است که فقط سه حرف اصلی دارد و حرف زاید هم ندارد (غ ض ض) / فعل است و با فاعلش (ضمیر «ی») یک جمله فعلیه تشکیل می‌دهد.  
(حسامی) (درس اول - اعراب و تحلیل صرفی)

۱۲- گزینه «۴» - بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: صفت نیست، بلکه مضاف الیه و مجرور است.

گزینه «۲»: مضارع آن «تَغْضِیْن» بر وزن «تَفْعَلِیْن» است / فاعل آن محذوف نیست، بلکه ضمیر «ی» است.

گزینه «۳»: مفرد نیست بلکه جمع مکسر است و مفرد آن «الحمار» است. (حسامی) (درس اول - اعراب و تحلیل صرفی - ترکیبی)

۱۳- گزینه «۲» - «کسی که بسیار توبه می‌پذیرد» = التَّوَّاب: بسیار توبه‌پذیر (اسم مبالغه است).

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: متهم کردن مردم بدون دلیل منطقی (= جاسوسی) نادرست است. درست آن = سوء الظن (بدگمانی)

گزینه «۳»: بسیار بزرگ‌تر از دریا (= چشمه) نادرست است. درست آن = المحيط (اقیانوس)

گزینه «۴»: یاد کردن دیگران به آنچه نمی‌پسندند (= بدگمانی) نادرست است. درست آن = الغیبة (غیبت) (حسامی) (مفهوم کلمات - ترکیبی)

۱۴- گزینه «۳» - بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: بعد ≠ قرب / گزینه «۲»: عالم ≠ جاهل / گزینه «۴»: عشیة ≠ عداة (حسامی) (قواعد - ترکیبی)

۱۵- گزینه «۳» - در گزینه «۱» المشاة جمع الماشی، در گزینه «۲» بنون جمع ابن و در گزینه «۴»: البساتین جمع البستان، هر سه جمع مکسر هستند زیرا ساختار مفرد آنها تغییر کرده است، ولی الفلأحین جمع مذکر سالم است چون ساختار مفرد آن تغییر نکرده و فقط «ین» به آن

اضافه شده است. (حسامی) (قواعد - ترکیبی)

۱۶- گزینه «۳» - الزَّوَّار جمع مکسر الزائر، اسم فاعل است. در گزینه «۱» فَهَامَة، در گزینه «۲» ستار و در گزینه «۴» الخَلَّاق اسم مبالغه هستند.

(حسامی) (قواعد - ترکیبی)

۱۷- گزینه «۴» - فی البدایة: جار و مجرور است و چون در ابتدای جمله آمده است باید به کلمه پس از آن نگاه کنیم. اگر آن کلمه اسم باشد، ممکن

است جار و مجرور خبر باشد و اسم بعد از آن هم مبتدا و جمله اسمیه است، ولی اینجا کلمه پس از جار و مجرور فعل است و در نتیجه جمله

فعلیه است. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: هل: حرف استفهام است و هیچ نقشی در جمله ندارد. لک: جار و مجرور است و چون بعد از آن اسم آمده است، خبر است و اسم پس

از آن مبتداست و جمله اسمیه است.

گزینه «۲»: جمله با اسم شروع شده و اسمیه است.

گزینه «۳»: جمله با اسم شروع شده و اسمیه است. (حسامی) (قواعد - ترکیبی)

۱۸- گزینه «۳» - الزائرة اسم فاعل و موظف اسم مفعول است. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: المخلوقات و مملوکون هر دو اسم مفعول هستند. دقت کنید که العالمین اسم فاعل نیست چون حرف لام آن مفتوح است.

گزینه «۲»: رازق، مالک و المستقیم اسم فاعل هستند.

گزینه «۴»: عالم و عابد هر دو اسم فاعل هستند. (حسامی) (قواعد - ترکیبی)

۱۹- گزینه «۳» - یَغْسِلُ فعل معلوم است و الریاضیون فاعل آن است. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: ضَرِبَ فعل مجهول و فاعل آن محذوف است.

گزینه «۲»: أَمْرَتْ فعل مجهول و فاعل آن محذوف است. أنْ أَعْبَدَ فعل معلوم است.

گزینه «۴»: لَا یُفْتَحُ فعل مجهول و فاعل آن محذوف است. (حسامی) (درس ششم - قواعد)

۲۰- گزینه «۲» - وقتی که فعلی به ضمیر «ی» (اول شخص مفرد) وصل می‌شود، نون وقایه بین فعل و ضمیر قرار می‌گیرد (اجعل + ن + ی). بررسی

سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: عین اسم است و حرف نون هم جزو حروف اصلی آن است، بنابراین نون وقایه نیست.

گزینه «۳»: لسان اسم است و حرف نون هم جزو حروف اصلی آن است، بنابراین نون وقایه نیست.

گزینه «۴»: لَا تَحْزَنُ فعل است و به ضمیر «ی» هم متصل شده است، ولی حرف نون جزو حروف اصلی فعل است و ضمیر «ی» برای دوم شخص

مفرد مؤنث است درحالی‌که باید برای اول شخص مفرد باشد. پس نون وقایه نیست. (حسامی) (قواعد - ترکیبی)